

## «پرسمان‌های اقتصادی - اجتماعی جمعیت ایران: یک جستار نظری»

دکتر ایرج ساعی ارسی<sup>۱</sup>

### چکیده:

جمعیت‌شناسی اقتصادی و اجتماعی، پدیده جمعیت را از دیدگاه اقتصادی و اجتماعی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. جمعیت‌شناسی اقتصادی - اجتماعی شاخص جمعیت را با توجه به تغییرات اقتصادی، توسعه اقتصادی و به طور کلی روند اقتصادی از یک سو، و شاخص جمعیت در ارتباط با تحولات اجتماعی، تغییرات اجتماعی و پیشرفت جوامع را از سوی دیگر به لحاظ جامعه‌شناسی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد. توسعه صنعت و تحولات اقتصادی در دو سده‌ی گذشته تا حد زیادی پرسمان جمعیت و تغییرات جمعیت را مطرح کرده است. مشکل جهان در حال حاضر، افزایش جمعیت کشورهای در حال توسعه است. هرگز نمی‌توان مسائل و مشکلات کشورهای پیرامونی را صرفاً از طریق رهیافت‌های جمعیتی حل و فصل کرد. برای آن که سیاست‌های جمعیتی در این کشورها بتوانند نقش مهمی در توسعه و بهروزی جامعه بازی کنند، باید با سیاست‌های توسعه همسو شوند. جمعیت‌شناسی اقتصادی به نقش جمعیت در ساز و کارهای مختلف اقتصادی از جمله تولید، توزیع، خدمات، مصرف، چگونگی بازار و... در یک جامعه و این که نقش جمعیت در تولید ملی چگونه است؟ می‌پردازد. در حقیقت رابطه‌ی بین جمعیت و توسعه مورد بررسی قرار می‌گیرد. پرسمان‌های جمعیتی قابل تشخیص توسط برنامه ریزان، پرسمان‌های جمعیتی هستند که علل و نتایج آن‌ها در برنامه ریزی توسعه اقتصادی - اجتماعی از دیدگاه برنامه ریزان اهمیت بسزایی دارد. در این مقاله بیست و هفت پرسمان جمعیتی مورد بحث قرار گرفته است. سپس این پرسمان‌ها درباره‌ی جمعیت ایران تدقیق و تحلیل شده است.

### مفاهیم کلیدی:

مسائل اقتصادی - اجتماعی جمعیت، جمعیت‌شناسی ایران، جمعیت‌شناسی اقتصادی - اجتماعی.

<sup>۱</sup> استادیار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر

## مقدمه

جمعیت منبع فنا ناپذیر و خلاقه‌ای است که می‌تواند نقش قاطعی در تحقق برنامه‌های اقتصادی - اجتماعی کشور ایفا کند. رابطه‌ی منطقی بین جمعیت و توسعه باعث توسعه‌ی هماهنگ اقتصادی و اجتماعی، اعتلای سطح زندگی و بهروزی مردم، تأمین سلامتی مادران و نوزادان، ایجاد محیط مساعد برای تحصیل و کار زنان، فراهم ساختن امکانات و بهبود شرایط تحصیل نسل‌های آینده، توجه به حقوق بشر و جلوگیری از جنگ و جدال‌ها، و بالاخره حراست از محیط زیست، منابع حیاتی و دستاوردهای انسانی را نوید می‌دهد.

برای پرسمان‌ها و مشکلاتی که کشورهای در حال توسعه با آن مواجه هستند، راه حل جمعیت‌شناسی وجود ندارد. تصور آن که بتوان معضلات اقتصادی را صرفاً از طریق تصمیم‌گیری‌های جمعیتی از میان برداشت تصویری بسیار ساده‌اندیشانه است. در عین حال منکر آن نیز نمی‌توان بود که افزایش سریع جمعیت در صورتی که با برنامه ریزی‌های دقیق توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی همراه نباشد خود از عوامل عمده‌ی تشدیدکننده‌ی پرسمان‌های اجتماعی - اقتصادی خواهد بود. هم‌چنین نباید این نکته‌ی مهم را فراموش کرد که توسعه‌ی اقتصادی در کشورهای در حال توسعه پدیده‌ی مستقلی نیست و از تصمیمات کشورهای پیشرفته به شدت تأثیر می‌پذیرد.

تغییر قیمت محصولات خام در بازارهای جهانی، ایجاد بحران‌های محلی و منطقه‌ای به منظور فروش محصولات صنعتی (عمدتاً جنگی) و چگونگی برخورد با نیروی انسانی غیر متخصص مهاجر از کشورهای در حال رشد به مراتب بیش از تغییرات میزان‌های افزایش جمعیت در رکود و توسعه‌ی اقتصادی در این کشورها مؤثر است.

در کشور ما توجه به جمعیت در برنامه ریزی‌ها بعد از جنگ جهانی دوم آغاز شده است. در برنامه‌ی عمرانی اول اشارات مختصری به جمعیت و اثرات آن در توسعه‌ی اقتصادی دیده می‌شود. ولی از برنامه عمرانی دوم به بعد جمعیت به عنوان یکی از زیربناهای فکری و سیاسی برنامه‌های توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی در آمده است.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی جمعیت مهم‌ترین سرمایه‌ی کشور تلقی شد و با توجه به زیربناهای عقیدتی میزان افزایش سالانه‌ی آن نیز بالا رفت به طوری که ایران دهه‌ی ۱۳۷۰ یکی از بالاترین میزان‌های رشد جمعیت را دارا بود. مشخص کردن هدف‌های توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی، داخل کردن سیاست‌های جمعیتی در مجموعه‌ی سیاست‌های توسعه، کاهش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی در بین همه اقشار جامعه و بهبود شرایط زندگی کلیه‌ی گروه‌های اجتماعی از نقطه نظرهای مهم و قابل ذکر در این زمینه محسوب می‌گردند. ولی به هر حال افزایش شدید جمعیت نیز الزامات خاص خود را مطرح می‌سازد.

بررسی آمار و ارقام جمعیتی نشان می‌دهد که تا سال ۱۴۰۰ شمسی یعنی حدود ۱۲ سال دیگر جمعیت شهرهای ۱۰۰۰۰۰ نفره به بالا از حدود ۱۸ میلیون نفر سال ۱۳۶۵ به بیش از ۷۰ میلیون نفر و جمعیت شهری کشور از ۵۵ میلیون نفر کنونی به ۹۹ تا ۱۱۰ میلیون نفر خواهد رسید و شبکه‌های متعدد به هم پیوسته‌ی شهری ایجاد خواهد شد که از هم اکنون تعدادی از آن‌ها نیز شکل گرفته است. آماده شدن برای یافتن بهترین راه حل‌های ممکن برای برنامه ریزی چنین مجموعه‌های بزرگ جمعیتی، لزوم مطالعه‌ی جدی تری را در زمینه‌ی دورنمای توسعه‌ی اقتصادی کشور، فراهم کردن امکانات زیست و اشتغال و برنامه ریزی‌های جامع جمعیت و شهرنشینی مطرح می‌سازد تا پرمسلمان‌های اقتصادی-اجتماعی جمعیت بیش از این رویکرد نداشته باشد.

در این مقاله ابتدا به شناخت زمینه‌های اقتصادی-اجتماعی جمعیت توجه شده است. سپس به بررسی پرمسلمان‌های اقتصادی-اجتماعی جمعیت پرداخته‌ایم. در گام بعدی به شناسایی و تشخیص این پرمسلمان‌ها در جمعیت ایران اشاره شده است. امید است این مقاله بتواند در مطالعات جمعیتی و برنامه ریزی‌های توسعه‌ی اقتصادی-اجتماعی فرهنگی به کار آید.

## طرح پرمسلمان

این مقاله بر آن است که به پرسش‌های زیر پاسخ داد:

۱. زمینه‌های اقتصادی-اجتماعی جمعیت کدام است؟
۲. جمعیت‌شناسی اقتصادی-اجتماعی چیست و چه موضوعاتی را مطالعه می‌کند؟
۳. تحلیل اقتصادی و تحلیل اجتماعی جمعیت کدام است؟
۴. پرمسلمان‌های اقتصادی-اجتماعی جمعیت کدام است؟
۵. در جمعیت ایران کدام پرمسلمان‌های اقتصادی-اجتماعی رویکرد دارند؟

## اهداف

مهم‌ترین اهداف مقاله عبارتند از:

۱. شناخت زمینه‌های اقتصادی-اجتماعی جمعیت.
۲. شناخت پرمسلمان‌های اقتصادی-اجتماعی جمعیت.
۳. شناخت پرمسلمان‌های اقتصادی-اجتماعی جمعیت ایران.

## زمینه‌های اقتصادی-اجتماعی جمعیت

جمعیت‌شناسی اقتصادی و اجتماعی، پدیده جمعیت را از دیدگاه اقتصادی و اجتماعی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. جمعیت‌شناسی اقتصادی-اجتماعی شاخص جمعیت را با توجه به تغییرات اقتصادی، توسعه اقتصادی و به طور کلی روند اقتصادی از یک سو، و

شاخص جمعیت در ارتباط با تحولات اجتماعی، تغییرات اجتماعی و پیشرفت جوامع را از سوی دیگر به لحاظ جامعه‌شناسی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد.

«مطالعه‌ی روابط میان پدیده‌های جمعیتی از یک طرف و پدیده‌های اقتصادی و اجتماعی از طرف دیگر شاخه‌های جدیدی را بوجود می‌آورد. در این مورد اصطلاحات جمعیت‌شناسی اقتصادی و جمعیت‌شناسی اجتماعی نیز وسیله‌ی برخی از نویسندگان بکار برده شده است. (امامی و دیگران، ۱۳۵۴: ۲)

توسعه‌ی صنعت و تحولات اقتصادی در دو سده‌ی گذشته تا حد زیادی پرسمان جمعیت و تغییرات جمعیتی را مطرح کرده است. پرسمان‌های جمعیت و توسعه در ابتدایک جریان صنعتی و مربوط به کشورهای توسعه‌یافته بود، ولی با توسعه‌ی زمینه‌های فرهنگی، انتقال فرهنگ‌ها، توسعه‌ی اقتصادی به مبادله‌ی خدمات و کالا و توسعه‌ی ارتباطات به سایر جوامع نیز راه‌یافته است. به طوری که در حال حاضر موضوع جمعیت و پرسمان‌های آن بیشتر مربوط به کشورهای عقب‌نگه داشته شده و یا رو به توسعه می‌باشد. در نتیجه در بحث جمعیت، اقتصاد و تغییرات اجتماعی و پرسمان‌های جمعیتی، بیشتر می‌باید به موقعیت و وضعیت کشورهای رو به توسعه پرداخت.

این زمینه از دانش جمعیت در ارتباط با شاخص‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی به بحث و تجزیه و تحلیل مسائل می‌پردازد. به طور کلی، شناخت عمیق از پدیده‌های جمعیتی، تحولات جمعیتی و سایر نوسانات در این زمینه در طول زمان، ما را در شناخت جامعه و نیز حل بهتر مسائل اقتصادی کمک فراوان می‌کند. از این رو، جمعیت‌شناسی رابطه‌ای بسیار نزدیک و ملموس با زمینه‌ها و شاخص‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی دارد. به عبارت دیگر، از این گونه پدیده‌ها از عوامل به نحوی تأثیر می‌پذیرد و در جای خود بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد. تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دویست ساله‌ی گذشته، اهمیت عامل جمعیت را در چگونگی تولید، کیفیت تولید و همچنین بهره‌مندی انسان را از منابع و تولیدات، بیشتر از هر زمانی در گذشته روشن کرده است. (شیخی، ۱۳۷۵: ۵۵)

عوامل مختلف اقتصادی و دستاوردهای صنعتی از یک طرف، و تغییرات اجتماعی، توسعه‌ی اجتماعی جوامع، دسترسی به مجهولات و زمینه‌های مختلف دانش، همگی در دو قرن اخیر بر تغییرات کمی و کیفی جمعیت تأثیر گذاشته‌اند. تغییر کیفی زندگی بشر به طور دائمی و به شکلی تسلسلی همواره ادامه داشته و بر جمعیت تأثیر گذاشته است.

مشکل جهان در حال حاضر، افزایش جمعیت کشورهای در حال توسعه است. با توجه به عوامل بازدارنده‌ای که در اغلب این کشورها بر سر راه توسعه وجود دارد، بحث جمعیت و توسعه نیز در بیشتر موارد به این کشورها مربوط می‌شود. به هر حال جمعیت در توسعه و بهروزی کشورها جایگاه رفیعی دارد و باید آن را قدرت خلاقه‌ای محسوب داشت که می‌تواند

بسیاری از موانع توسعه را از میان بردارد. مهار جمعیت حتی در بهترین شرایط نیز، نمی‌تواند نوید بخش توسعه شود. هرگز نمی‌توان مسائل و مشکلات کشورهای پیرامونی را صرفاً از طریق رهیافت‌های جمعیتی حل و فصل کرد. برای آن که سیاست‌های جمعیتی در این کشورها بتوانند نقش مهمی در توسعه و بهروزی جامعه بازی کنند، باید با سیاست‌های توسعه همسو شوند.

### تحلیل اقتصادی جمعیت

تحلیل اقتصادی جمعیت به نقش جمعیت در ساز و کارهای مختلف اقتصادی از جمله تولید، توزیع، خدمات، مصرف، چگونگی بازار و... در یک جامعه و این که نقش جمعیت در تولید ملی چگونه است؟ می‌پردازد. در این ارزیابی مقدار تولید، شیوه‌ی تولید، صادرات، واردات، مصرف و روی هم رفته توانمندی اقتصادی جمعیت با توجه به وضع گروه‌های سنی در بخش‌های گوناگون روشن می‌شود. (آشفته تهرانی، ۱۳۸۱: ۱۷)

### تحلیل اجتماعی جمعیت

جمعیت در برگیرنده‌ی زمینه‌ها و موضوعاتی از ترکیب اجتماعی جمعیت است. مواردی نظیر وضعیت تأهل، موقعیت اجتماعی، موقعیت آموزشی و تحصیلی، وضعیت خانواده، نژاد، زبان، مذهب، موقعیت اشتغال و نیروی انسانی، صنعت و... از جمله مواردی هستند که در قالب جمعیت‌شناسی اجتماعی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. (همان، ۱۳۸۱: ۵۷)

جمعیت‌شناسی سه رکن عمده را مورد بررسی قرار می‌دهد، موالید، مرگ و میر و مهاجرت. تغییرات و نوسانات جمعیتی، ازدیاد و تراکم جمعیت، بهبود در وضعیت عمومی جمعیت‌ها، ارتقای سطح زندگی و... همگی به دنبال سه عامل موالید، مرگ و میر و مهاجرت (به ویژه به دنبال دو عال اول) حاصل می‌شوند. جمعیت‌شناسی اجتماعی به تجزیه و تحلیل طلاق نیز می‌پردازد. ترکیب اجتماعی جمعیت و اطلاعات مربوط به آن در نهایت توسط جامعه‌شناسان مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. هم چنین، توزیع جغرافیایی جمعیت و قشرهای مختلف جمعیتی مستقر در نقاط مختلف جغرافیایی تا حد زیادی با اطلاعات جمعیتی در ارتباط است. یکی از زمینه‌های عمده‌ای که جمعیت‌شناسان اقتصادی و اجتماعی به آن می‌پردازند، موضوع مهاجرت و تحرک جغرافیایی جمعیت می‌باشد. رشد جمعیت و پی آمدهای آن نیز از موضوعات تحلیل اجتماعی جمعیت محسوب می‌شود.

در تحلیل اجتماعی جمعیت ناگزیر هستیم که علت‌های گوناگون افزایش جمعیت را مورد بررسی موشکافانه قرار بدهیم و در نتیجه بایستی به جنبه‌های مختلف این چگونگی‌ها نظر بیفکنیم. از جمله منطقه‌ی جغرافیایی و تأثیرهای آب و هوایی، نوع تغذیه، نوع تربیت در خانواده و از همه بزرگتر تأثیرهای فرهنگی، آداب و رسوم، باورهای دینی، فرهنگ قومی،

فرهنگ روستایی، فرهنگ بومی و عنصرهای دیگری که در این چگونگی دخالت دارند بحث‌های تحلیل اجتماعی- فرهنگی جمعیت را تشکیل می‌دهند. (همان، ۱۳۸۱: ۱۷)

### شناخت پرسمان‌های اقتصادی - اجتماعی جمعیت

برنامه ریزان اقتصادی - اجتماعی یا به تعبیر دیگر برنامه ریزان توسعه پرسمان‌های جمعیت در حال واینده را تشخیص می‌دهند. این پرسمان‌ها اثراتشان روی برنامه‌های توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی مشهود است. این پرسمان‌ها در ارتباط با درک توسعه توسط برنامه ریزان قابل تشخیص است و ممکن است در سطح کشور شناخته شده نباشد.

چندین مورد مهم و ضروری از این جستار ناشی می‌شود. برخی برنامه‌ها بطور مستقیم به یک وضعیت جمعیتی به مثابه‌ی یک مشکل و معضل جمعیتی مربوط می‌شود. به عنوان مثال میزان بستگی یا تکفل بالایا افزایش سریع جمعیت در سن مدرسه ممکن است به مثابه‌ی مانعی در برابر نیروی کار یا مانعی در سر راه اهداف آموزشی مطرح و قابل بحث باشد. این موضوعات باعث می‌شود تا برنامه ریزان پرسمان‌های جمعیتی را شناخته و مطرح سازند.

صرفاً مطرح کردن وضعیت جمعیتی توسط برنامه ریزان، پرسمان جمعیتی به حساب نمی‌آید، بلکه منظور از پرسمان‌های جمعیتی، پرسمان‌هایی هستند که در متون برنامه ریزی روی آن‌ها تأکید می‌شود. بعضی مواقع پرسمان جمعیتی به طور عمده توسط برنامه ریزان از متون جمعیتی بخاطر عدم اهمیت آن‌ها و عدم تأثیر آن‌ها در اهداف حذف می‌شود. از سوی دیگر پرسمان‌های جمعیتی قابل تشخیص توسط برنامه ریزان، پرسمان‌های جمعیتی هستند که علل و نتایج آن‌ها در برنامه ریزی توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی از دیدگاه برنامه ریزان اهمیت بسزایی دارد. علل ماهیتاً پیچیده هستند و از راه‌های گوناگون با توجه به ایدئولوژی، آموزش، علاقه و تجارب برنامه ریزان قابل شناخت می‌باشند. به عنوان مثال، بیکاری معلول رشد جمعیت می‌باشد. در صورتی که از دیدگاهی دیگر نیروی کار اضافی را در جامعه مهیا می‌سازد، یعنی از دیدگاه اول کمبود شغل و از دیدگاه دوم نیروی کار اضافی که دستمزدها را پائین می‌آورد مطرح شده است. (ساعی ارسی، ۱۳۸۰: ۴۳ و ۴۴)

کشورهایی که دارای برنامه ریزی‌های بلند مدت هستند و نیز کشورهایی که پیش بینی جمعیتی در آن‌ها کاربرد قوی دارد، از سوی دیگر کمتر با پرسمان‌های اجتماعی به مثابه‌ی نتایج کمبودها مواجه هستند. یعنی این کشورها در یک چارچوب چند علتی به روند پرسمان‌های جمعیتی می‌نگرند.

در این جا به مهم ترین پرسمان‌های اقتصادی - اجتماعی جمعیت اشاره می‌کنیم:

### (۱) رشد جمعیت در سن کار به مثابه‌ی یک پرسمان جمعیتی

کشورهای جهان سوم بیکاری را تشخیص می‌دهند و به مثابه‌ی یک پرسمان جمعیتی مورد مطالعه قرار می‌دهند، اما چگونگی نقش رشد جمعیت در رابطه با بیکاری را مشخص نکرده و مورد مطالعه قرار نمی‌دهند.

در اکثر کشورهای جهان سوم، بیکاری و بیکاری پنهان بالا و در حال رشد می‌باشد. برنامه ریزان برای اشتغال کامل معمولاً برنامه ریزی می‌کنند، و ایجاد اهداف اشتغال به ندرت براساس پیش بینی رشد نیروی کار می‌باشد. برنامه‌ها معمولاً به تولید تأکید می‌ورزند تا اشغال. (همان، ۱۳۸۰: ۴۷).

### (۲) افزایش سن مدرسه به مثابه‌ی یک پرسمان جمعیتی

تغییر توزیع سن یک جمعیت، هم در تقاضا برای آموزش و هم ظرفیت یک جامعه برای تأمین تقاضا را تحت الشعاع قرار می‌دهد. ترکیب سن یک جمعیت معمولاً به وسیله‌ی باروری در گذشته تعیین می‌شود تا به وسیله‌ی مرگ و میر. اکثر کشورهای جهان سوم دارای سطوح بالای باروری می‌باشند، که در ساختار سنی جوان اثر می‌گذارد. تحت این شرایط اندازه‌ی مطلق نسبت به جمعیت در گروه‌های در سن مدرسه بطور زیاد افزایش می‌یابد. (همان، ۱۳۸۰: ۴۸). در عین حال، نسبت کاهش‌یابنده‌ی جمعیت از نسل‌های در سن کار باید نیازهای آموزشی جمعیت جوان در حال افزایش را نیز تأمین کند. بدین سان ظرفیت اجتماعی برای تأمین هزینه‌های آموزشی برای هر دانش آموز در گذشته کاهش یافته است.

### (۳) کاهش رشد اقتصادی به وسیله‌ی رشد جمعیت

در اکثر کشورهای جهان سوم، رشد اقتصادی به وسیله‌ی رشد جمعیت کاهش می‌یابد. در حقیقت رشد جمعیت، درآمد سرانه را کاهش می‌دهد. در این قبیل کشورها، رابطه‌ی بین جمعیت و روند توسعه ملاحظه نمی‌شود. ولی سرمایه گذاری مورد نیاز برای محدود کردن اثر رشد جمعیت روی درآمد سرانه محاسبه می‌شود. در برخی کشورهای جهان سوم برای مشاهده‌ی اثرات ساختار سنی روی بار تکفل و هزینه‌های سرانه‌ی اجتماعی، قدری فراتر می‌روند، و در راه‌هایی که این اثرات، تأثیر پتانسیل برای سطوح سرمایه گذاری بالاتر و کاربردهای تولیدی مستقیم برای سرمایه گذاری توجه می‌کنند. بعضی کشورها فشار جمعیت روی منابع، به ویژه روی بخش‌های ویژه از قبیل کشاورزی تأکید می‌ورزند. بدین سان، در اکثر کشورهای جهان سوم، رشد جمعیت به مثابه‌ی یک مانع شناخته می‌شود، اما نه به مثابه‌ی مانعی که توسعه را متوقف سازد. (همان، ۱۳۸۰: ۵۱)

**(۴) فشار جمعیت بر خدمات اجتماعی**

افزایش جمعیت، به مثابه‌ی پرسمانی است که هزینه‌ی کارآیی و ماهیت خدمات اجتماعی و رفاهی دولت را در کشورهای جهان سوم تحت تأثیر قرار می‌دهد. فشار جمعیت ناشی از مهاجرت به نواحی شهری در کشورهای جهان سوم کاملاً مشهود است. در اکثر موارد این مقوله، طبقه بندی بهداشت، آموزش و مسکن را تحت تأثیر قرار می‌دهند. (همان، ۱۳۸۰: ۵۳)

**(۵) نسبت بالای بار تکفل**

نسبت بار تکفل نسبتی از جمعیت است که فعالیت تولیدی دارد و در سنین شروع به کار می‌باشد. کشورهای دارای سطوح باروری بالا معمولاً دارای نسبت‌های بالای بار تکفل می‌باشند. هر چه نسبت بار تکفل بالاتر باشد، موانع اجتماعی بیشتر می‌شود، گر چه یکی از اثرات مثبت نسبت بالای بار تکفل جوان تر، سالم‌تر و بیشتر فعال بودن نیروی کار می‌باشد. (همان، ۱۳۸۰: ۵۵)

**(۶) فشار جمعیت بر خدمات بهداشتی**

رشد سریع جمعیت نیاز به خدمات بهداشتی را افزایش می‌دهد و شهرنشینی تسهیلات پزشکی جاری را در ارائه خدمات به آنها با شکست مواجه می‌کند. خدمات بهداشتی در کشورهای جهان سوم باید گسترش یابد تا بتواند نسبت ناکافی جاری خدمات به جمعیت را تأمین کند. در این کشورها، جمعیت با باروری بالا با جمعیت نوزادان بالا نیازمند افزایش تسهیلات پزشکی فزاینده می‌باشند. معیارهای بهداشت عمومی به مقیاس وسیعی با کاهش داخلی مرگ و میر مربوط می‌شود. خدمات بهداشتی شخصی به مثابه‌ی خدمات ناکافی ولی ضروری در این کشورها تشخیص داده می‌شود. (همان، ۱۳۸۰: ۵۷)

**(۷) فشار جمعیت بر مسکن**

تولید مسکن با افزایش جمعیت یا خانواده‌های تازه تشکیل یافته در ارتباط است. در کشورهای جهان سوم کمبودهای مسکن در رابطه با مهاجرت و شهرنشینی مورد توجه قرار می‌گیرد. (همان، ۱۳۸۰: ۵۸) یکی از مهم‌ترین نیازهای ناش از رشد جمعیت، مسکن می‌باشد.

**(۸) فشار جمعیت بر رفاه فردی یا خانواده**

در برخی کشورهای جهان سوم، اثرات رشد جمعیت بر رفاه فردی و رفاه خانواده مورد توجه قرار می‌گیرد. به عنوان مثال، سلامتی مادران و کودکان و توزیع منابع کمیاب بین اعضای خانواده‌های پر جمعیت حائز اهمیت است. اغلب این فشارها در تنظیم خدمات برنامه‌های تنظیم خانواده معقول بحث می‌شود. تعدادی از کشورهای جهان سوم، بطور غیر مستقیم،



فشار جمعیت بر معیارهای زندگی فردی و خانواده را در سایر پرسمان‌های جمعیت مطرح می‌کنند. (همان، ۱۳۸۰: ۶۰)

#### (۹) فشار جمعیت بر غذا یا نظام کشاورزی

یکی از پرسمان‌های مهمی که در برنامه‌های توسعه کمتر به آن توجه می‌شود، توسعه‌ی تغذیه و کشاورزی است. این مقوله می‌تواند، پرسمان قحطی جمعیت را به همراه داشته باشد. بیشترین جمعیت در کشورهای جهان سوم در مناطق روستایی زندگی می‌کنند ولی توان تأمین غذای کل جمعیت کشور را ندارند. کلید توسعه‌ی این کشورها در تولید کشاورزی نهفته است. در صورتی که به پروژه‌های تولیدی سرمایه‌ای متمرکز شده و به آن تأکید می‌ورزند تا به کشاورزی، روابط پیچیده‌ی کشاورزی و جمعیت قابل بررسی است. (همان، ۱۳۸۰: ۶۱).

#### (۱۰) تراکم جمعیت بالا به مثابه‌ی یک پرسمان جمعیتی

برخی از کشورهای جهان سوم به پرسمان تراکم جمعیت شهری و یا منطقه‌ای توجه کرده‌اند. تراکم جمعیت در شهرها و مناطق به نبود سیاست‌های جامع جمعیتی و بویژه به نبود سیاست‌های مهاجرتی مربوط می‌شود. (همان، ۱۳۸۰: ۶۲)

#### (۱۱) زیادی یا کمی جمعیت در مناطق

در کشورهای جهان سوم، جمعیت به طور ناموزون در بستر جغرافیایی و سرزمینی استقرار یافته است. کمی جمعیت در برخی نواحی و زیادی جمعیت در مناطق دیگر دیده می‌شود. این پرسمان به دلیل نبود سیاست‌های استقرار جمعیت در گستره‌ی جغرافیایی رویکرد دارد.

#### (۱۲) سطح زندگی پائین جمعیت

در کشورهای جهان سوم، سطح زندگی با معیارهای زندگی سالم همخوانی ندارد. سطح زندگی پائین باعث کاهش کیفیت زندگی مردمان این کشورها می‌شود. نبود همخوانی بین جمعیت و توسعه سطح زندگی جمعیت را در سطوح پائین نگه می‌دارد.

#### (۱۳) تأخیر در ازدواج به مثابه‌ی حفظ تعادل جمعیتی

در کشورهای جهان سوم برخی دولت‌ها برای مهار رشد جمعیت و در نتیجه حفظ تعادل جمعیتی سیاست‌های عدم تشویق جمعیت به ازدواج در سن نمای ازدواج کشورهای مورد نظر را در پیش می‌گیرند. این سیاست‌ها گرچه ممکن است به طور موقت باعث کاهش باروری گردد ولی به محض رفع موانع اقتصادی و سیاسی باروری، باروری با شدت بیشتری

افزایش خواهد یافت. باروری به طور ریشه‌ای با افزایش سواد و سطح اشتغال زنان و بویژه کاهش فقر، می‌تواند کاهش یافته و تداوم داشته باشد.

#### (۱۴) پرسمان‌های بهبود نسل جمعیت

جمعیت در کشورهای جهان سوم نیاز به بهبود دارد. ازدواج‌های فامیلی و قبیله‌ای و قومی خلوص جمعیت را بر هم زده و بیماری‌های درون زا و برون زای بسیاری را به همراه دارد. در نتیجه جمعیت با معلولین ذهنی و جسمی فراوانی در این کشورها روبروست.

#### (۱۵) شکاف سنی جنسیت در ازدواج به مثابه‌ی پرسمان جمعیتی آسیب‌زا

یکی از پرسمان‌هایی که در کشورهای جهان سوم رویکرد دارد افزایش جمعیت هر دو جنس و وجود فاصله سنی ازدواج بالا است که باعث می‌شود جمعیت دختران در سن نمای ازدواج به علت فاصله‌ی سنی بالا، تأخیر در ازدواج داشته باشند و این پرسمان باعث پیدایی پدیده‌های دیگر آسیب‌شناختی در جامعه می‌شود.

#### (۱۶) جوانی جمعیت به مثابه‌ی یک پرسمان جمعیتی

جمعیت کشورهای جهان سوم به دلیل باروری بالا و در نتیجه رشد جمعیت، جوان است. به تعبیر ورتهایم (Wertheim) جمعیت زیر ۱۵ سال این کشورها بیش از ۴۰ درصد جمعیت بالای ۱۵ سال می‌باشد. به تعبیر دیگر میانه‌ی سنی جمعیت پائین است.

#### (۱۷) فشار جمعیت بر منابع

در کشورهای جهان سوم به علت محدودیت منابع غذایی یا انرژی یا آب و غیره از یک سو، و افزایش جمعیت و بالا بودن میزان‌های رشد جمعیت از دیگر سو، باعث به هم خوردن تعادل بین جمعیت و منابع می‌شود. کمبود منابع بر بهداشت و تغذیه جامعه اثرات سوئی دارد. یکی از پیامدهای مستقیم رشد جمعیت، فشار بر ذخایر و منابع آب در جهان به طور عام و جوامع رو به توسعه بطور خاص است. افزایش جمعیت، تغییر الگوهای مصرف، بالا رفتن سطوح بهداشت فردی و ... همگی مصرف آب را افزایش می‌دهند. در شرایطی که بسیاری از کشورها در حال گذشتن از محدوده‌ی آب‌های تازه و قابل تجدید خود هستند، جمعیت جهان با افزایش بیش از گذشته در حال رشد است. رشد جمعیت نه تنها نیازهای آب انسان‌ها را افزایش می‌دهد، بلکه به تسریع مشکلات محیطی چرخه‌ی آب به عنوان یک دستاورد تولید بیشتر غذا و سوخت کمک می‌کند. از جمله این مشکلات، می‌توان به از بین رفتن جنگل‌ها و سایر استفاده‌های نامناسب و مخرب از زمین، افزایش زباله، استفاده از سموم دفع آفات و کودهای شیمیایی و افزایش گازهای گلخانه‌ای اشاره کرد که موجب گرم شدن آب و هوای جهانی می‌شود. بسیاری از این فعالیت‌ها علاوه بر این که امکان ذخیره سازی را بسیار محدود می‌کنند، آب‌های موجود را نیز

#### (۱۸) پرسمان تأمین اجتماعی جمعیت

جمعیت هر کشوری نیاز به امنیت از ابعاد مختلف دارد. در کشورهای جهان سوم به لحاظ نبودن کمبود تأمین اجتماعی گسترده در جمعیت باعث نگرانی و دغدغه‌های روانی و فکری جمعیت این کشورها می‌شود. تأمین اجتماعی گسترده سلامت کامل جسمی، روانی و اجتماعی را به همراه می‌آورد.

#### (۱۹) ناپایداری میزان‌های رشد جمعیت

یکی از پرسمان‌های مهم جمعیتی کشورهای جهان سوم، ناپایداری میزان‌های رشد جمعیت است. مهار رشد جمعیت با برنامه‌های تنظیم خانواده و یا موانع اقتصادی و سیاسی نمی‌تواند میزان‌های رشد جمعیت را پایدار سازد. پایداری میزان‌های رشد جمعیت به توسعه‌ی اقتصادی درون زای ملی این کشورها و بویژه به افزایش سطح سواد و اشتغال زنان مربوط می‌شود. نوسانات میزان رشد پیش بینی برنامه‌های توسعه‌ی این کشورها را در هم می‌ریزد.

#### (۲۰) پرسمان سالخوردگی جمعیت

در کشورهای جهان سوم به علت افزایش خدمات بهداشتی و درمانی و در نتیجه مهار مرگ و میر از یک سو و در نتیجه افزایش امید به زندگی در این کشورها به تدریج جوانی جمعیت به پدیده‌ی سالمندی جمعیت تبدیل می‌شود. نسبت‌های اجتماعی از یک سو و نبود امکانات نگه داری از جمعیت سالخورده از سوی دیگر پرسمان‌های خاص را برای جمعیت در پیش خواهد داشت.

#### (۲۱) پرسمان مهاجرت

در کشورهایی که میزان رشد طبیعی جمعیت آن‌ها بالاتر از میزان رشد اقتصادی آن‌هاست، اقدام به مهاجرت وجود دارد. مهاجرت با پدیده‌ی شهرنشینی عجین است. همواره به دنبال توسعه‌ی شهرنشینی مهاجرت صورت می‌گیرد، یا به تعبیری دیگر همیشه به دنبال مهاجرت توسعه‌ی شهرنشینی معنا و مفهوم پیدا می‌کند. مهاجرت به عنوان مقیاس یا فشار سنج تغییرات اجتماعی و شرایط اقتصادی- اجتماعی رو به تغییر در سطوح ملی و بین‌المللی قابل بحث است. مهاجرت نشانه و نمادی از تفاوت‌های گسترده در شرایط اقتصادی و اجتماعی بین مبداء و مقصد می‌باشد. (همان، ۱۳۷۵: ۹۷)

نبود توزیع عادلانه و موزون و متعادل امکانات بین مناطق گوناگون یک کشور ریشه‌ی اصلی مهاجرت‌ها محسوب می‌شود. مهاجرت به اشکال ملی، بین‌المللی، پناهندگی و پناه جویی و فرار مغزها دیده می‌شود.

## (۲۲) فشار رشد جمعیت بر سرمایه گذاری

رشد جمعیت با چگونگی و میزان سرمایه گذاری یا به عبارتی با توان سرمایه گذاری در یک جامعه ارتباط مستقیم و نزدیک دارد. رشد ناموزون جمعیت تنگنانهایی را در زمینه‌ی سرمایه گذاری، که خود جریانی وسیع می‌باشد، به وجود می‌آورد. افزایش تعداد فرزندان در خانواده‌ها تا حد زیادی امکان پس‌انداز را از بین می‌برد، زیرا نیازهای مصرفی بیشتر می‌شود و امکان کمتری به دولت‌ها می‌دهد تا پروژه‌های سرمایه گذاری در سطح ملی را دنبال کنند. در این شرایط وابستگی اقتصادی به بیگانگان بیشتر می‌گردد. در نتیجه رشد جمعیت رو به تزاید منجر به نیاز به سرمایه گذاری بیشتر می‌گردد. (همان ۱۳۷۵: ۸۷ و ۸۸)

نقطه‌ی شروع توسعه‌ی اقتصادی، سرمایه گذاری یا به عبارتی دیگر وجود سرمایه‌ی کافی است. منظور از سرمایه، مجموعه‌ی کالاها و ساز و کارهایی است که با استفاده از آن‌ها تولید کالاهای دیگر مقدور می‌گردد. در جریان سرمایه گذاری، نظر به بازده اقتصادی ضروری است، در غیراین صورت، جمعیت از منابع موجود به طور آنی و فوری، در قالب بهره جویی استفاده می‌کند. در حالی که سرمایه مقدار پولی است که در زمینه‌ی بهره برداری از ماشین آلات و خط تولید مورد استفاده قرار می‌گیرد. جهت دستیابی به رشد اقتصادی باید سطح سرمایه گذاری از رشد متناسبی برخوردار باشد. (همان، ۱۳۷۵: ۹۰)

## (۲۳) رابطه‌ی رشد جمعیت و انگیزه‌ی توسعه‌ی اقتصادی

رشد جمعیت به مثابه‌ی مانعی فرا راه توسعه اقتصادی محسوب می‌شود. برخی از اقتصاددانان توسعه از جمله آلبرت هیرشمان (Albert Hirschman) معتقدند که رشد جمعیت موجبات ازدیاد فن آوری اقتصادی بیشتر را فراهم می‌آورد، و در نتیجه اقتصاد حالت پویایی به خود می‌گیرد. وی عقیده دارد که فشار جمعیت ناشی از میزان بالای رشد، خود به خلاقیت‌ها و حرکت‌های اقتصادی منجر می‌گردد. به عبارت دیگر، این فشار موجب به وجود آمدن فشارهای متقابلی می‌شود که در نهایت به توسعه‌ی سطح زندگی، حداقل در قالب سنتی آن، خواهد انجامید. فشارهای جمعیتی خود به عنوان انگیزه‌ای جهت به کارگیری فعالیت‌های اقتصادی مبتنی بر فن آوری پیشرفته عمل می‌کند. (همان، ۱۳۷۵: ۹۲)

## (۲۴) تأثیر مهاجرت بر محیط زیست به مثابه‌ی یک پرسمان جمعیتی

پدیده‌ی مهاجرت بر محیط زیست تأثیر متقابل بریکدیگر دارند. مهاجرت به مثابه‌ی یکی از ارکان عمده‌ی جمعیت‌شناسی، جایگاه مهمی در افزایش و کاهش و نیز رشد طبیعی در جوامع مختلف پیدا کرده است. مهاجرت هم‌چنین بر محیط زیست تأثیر دارد، و تراکم جمعیت، آلودگی، بی‌سازمانی اجتماعی، بروز انحرافات جدید و... از آثار آن است. محیط‌های جدید و شهری بر ویژگی‌های رفتاری، کنش‌های اجتماعی و چگونگی شخصیت

افراد نیز تأثیر می‌گذارد، از جمله روی رفتار باروری جمعیت مهاجر تأثیر بسزایی دارد. (همان، ۱۳۷۵: ۹۴)

#### (۲۵) مرگ و میر بالای کودکان به مثابه‌ی پرسمان جمعیتی

شاخص مرگ و میر کودکان، یکی از ویژگی‌های کشورهای جهان سوم است. این کشورها به علت داشتن ضعف در زمینه‌های مختلف بهداشتی، آموزشی، رعایت نکردن فاصله گذاری‌ها و تنظیم خانواده، سوء تغذیه و نظایر آن با نسبت بالایی از مرگ و میر کودکان رو به رو هستند. کشورهای جهان سوم به علت روبرو بودن با رقم بالای مرگ و میر کودکان، یک نوع احساس نبود امنیت نسبت به فرزندان خود می‌کنند و به همین سبب تعداد موالید در این جوامع در حد بالایی می‌باشد. این طرز تفکر و تلقی تا حد زیادی باعث گردیده است تا این جوامع دیرتر دوره‌ی تحول جمعیت را پشت سر بگذارند. (همان، ۱۳۷۵: ۱۴۵)

مرگ و میر عمومی نیز در اکثر جوامع جهان سوم تا حدی بالاتر از ارقام مشابه در کشورهای صنعتی است. این وضعیت ناشی از سوء تغذیه و نداشتن تسهیلات بهداشتی و پزشکی کافی و تاجایی که به مادران مربوط می‌شود، باروری در حد بالا می‌باشد، به نحوی که این جریان شاخص مرگ و میر مادران حین زایمان را در کشورهای جهان سوم بیشتر از کشورهای صنعتی بر جای می‌گذارد.

هر گونه تغییری در زمینه‌ی شاخص‌های مرگ و میر اعم از مرگ و میر کودکان، مرگ و میر عمومی، مرگ و میر زنان حین زایمان، منوط به تغییرات فرهنگی می‌باشد. یعنی، در صورتی که هنجارهای مناسب و زمینه‌های فرهنگی لازم فراهم نشده باشد، نمی‌توان انتظار داشت که در کوتاه مدت شاخص‌های مرگ و میر تغییر کنند.

#### (۲۶) پدیده‌ی حاشیه نشینی به مثابه‌ی پرسمان جمعیتی

دو پدیده‌ی شهرنشینی و مهاجرت به عنوان پیامدهای رشد جمعیت از یک طرف، و تغییرات اجتماعی از طرف دیگر، به طور وسیعی در نقاط مختلف جهان در جریان است. کشورهای جهان سوم که در آن‌ها شهرنشینی در مدت کوتاهی به طور وسیع صورت گرفته است. از مشکلات و نتایج منفی آن اغلب در رنجند. چرا که شهرنشینی با رشد صنعتی شدن در این کشورها شکل نگرفته است. گسترش انحرافات، افزایش بیکاری، آلودگی محیط زیست و حاشیه نشینی، از جمله پیامدهای مستقیم شهرنشینی در این جوامع می‌باشد. (همان، ۱۳۷۵: ۱۴۵)

شهرنشینی علاوه بر مشکلات فوق، مشکلات اقتصادی را نیز به دنبال می‌آورد. یعنی رشد شهرنشینی، کشاورزی را تضعیف می‌کند و الگوهای مصرف در نقاط شهری دگرگون می‌شود. توسعه‌ی شهرنشینی در مدت کوتاهی بسیاری از ساختارهای اجتماعی، هنجارها و

آداب و رسوم را دستخوش تغییر می‌کند. به عبارت دیگر شکاف فرهنگی یا تأخیر فرهنگی در جامعه بر جای می‌گذارد. یعنی جریانی که در آن فرهنگ مادی تغییر می‌کند، ولی فرهنگ معنوی در حد آن تغییر نمی‌کند. هم چنین نقاط شهری این قبیل کشورها دارای ظرفیت‌های مشخصی هستند و ورود هر گونه اضافه جمعیت به این قبیل جوامع و شهرها، ظرفیت‌های درون شهری را به خطر می‌اندازد که خود نهایتاً به بروز بسیاری از مشکلات و نابسامانی‌هایی برای قشرها و گروه‌های مختلف می‌انجامد.

#### (۲۷) پرسمان مختلف، فقر و ناهنجاری‌های اجتماعی

میزان بالای رشد جمعیت، عامل عمده‌ی فقر در کشورهای رو به توسعه شناخته شده است. رشد تولید ناخالص داخلی در کشورهای صنعتی به معنای بالا رفتن میزان درآمد سرانه برای مردم آن کشورها است، در حالی که چنین تناسب و برابری درباره‌ی کشورهای رو به توسعه وجود ندارد. یکی از راه‌های بالا بردن سطح زندگی کشورهای رو به رشد، پایین آوردن میزان رشد جمعیت می‌باشد.

رشد جمعیت با موضوعاتی چون توسعه و سیاست‌گذاری‌های عمومی دولت‌ها در ارتباط است. رشد سریع جمعیت فشارهای بیشتری بر منابع محدود موجود وارد می‌آورد و در بسیاری از کشورها که مردم برای معیشت خود بیشتر به کشاورزی وابسته هستند، افزایش جمعیت در آن‌ها، توازن بین منابع طبیعی و جمعیت را تهدید می‌نماید. رشد سریع جمعیت هم چنین آهنگ شکل فعلی تحول اقتصادی - اجتماعی را پیچیده‌تر می‌نماید.

بیش از ۱/۵ میلیارد نفر از جمعیت جهان، یا به عبارت دیگر از هر سه نفر، یک نفر در کشورهایی زندگی می‌کنند که نیمی از جمعیت روستایی آن‌ها در فقر مطلق و در معرض خطر جدی سوء تغذیه هستند. (همان، ۱۳۷۵: ۱۵۰)

#### پرسمان‌های اقتصادی - اجتماعی جمعیت ایران

ایران از نظر جمعیت و امکانات توسعه، در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ وضع خاصی داشت. از نظر جمعیتی، افرادی که پس از اقدامات اولیه‌ی مربوط به کنترل مرگ و میر کودکان در این کشور زاده شده بودند، به سنین آغازین دوران باروری (سنین ۱۵ تا ۴۹ سالگی را سنین باروری می‌گویند) رسیدند. در این دوره به دنبال به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی، سیاست‌های کنترل جمعیت که از سال ۱۳۴۶ به طور رسمی اعمال شده بود به کنار گذاشته شد، و بر اثر تشدید روند مهاجرت‌های روستایی، سطح باروری در نقاط شهری کشور رو به فزونی نهاد. نسبت جمعیت شهری و روستایی دگرگون شد، سهم جمعیت شهر نشینی از پنجاه درصد کل جمعیت تجاوز کرد، امکانات توسعه‌ی اقتصادی کشور بر اثر اقدامات خصمانه کشورهای دیگر محدود شد. شروع و ادامه‌ی جنگ تحمیلی عراق

علیه‌ایران؛ محدودیت‌های زیادی را بر توسعه‌ی کشور تحمیل کرد. آهنگ رشد جمعیت کشور در شرایطی رو به فزونی گذاشت که امکانات لازم برای تأمین نیازهای ضروری و اولیه‌ی آن‌ها رو به کاهش نهاده و شرایط مطلوبی برای تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی وجود نداشت. در چنین شرایطی، سنگینی بار افزایش جمعیت بیش از هر زمانی احساس شد و دولت مجدداً به فکر احیای سیاست قدیمی کنترل جمعیت افتاد. (زنجانی، ۱۳۷۱: ۱۳۰)

دور دوم تنظیم خانواده و کنترل جمعیت در ایران (۱۳۶۷ به بعد) در مقایسه با دور اول آن (۵۷-۱۳۴۶) با دو مشکل اساسی مواجه بود:

۱. دو برابر شدن جمعیت کشور در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۴۵ و ۱۳۶۵، با توجه به سهولت اعمال سیاست‌های کنترل موالید در جمعیت‌های محدود و مشکلات اعمال آن در جمعیت‌های گسترده.

۲. ضرورت اعمال این سیاست در مناطقی از کشور و در بین گروه‌های خاصی از جمعیت که از سطح باروری بسیاری برخوردارند و تغییر رفتارهای باروری آنان به آسانی امکان پذیر نبود.

رشد جمعیت کشور در یک دوره‌ی معین را نباید منحصرأ در افزایش حجم جمعیت آن کشور خلاصه کرد. این افزایش، بر چگونگی توزیع جمعیت اثر می‌گذارد. چگونگی افزایش جمعیت در آینده، به اشاعه و کارایی سیاست‌های کنترل موالید، ساخت سنی و جنسی، طول عمر و شرایط ادامه‌ی حیات افراد جامعه بستگی دارد.

با توجه به اثرات دور دوم تنظیم خانواده در ایران و هم چنین فشارهای اقتصادی بر جمعیت، رشد جمعیت در فاصله‌ی بین دو سرشماری ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ به شدت رو به کاهش نهاد. به طوری که در حال حاضر این رشد به رقم ۱/۴ درصد در سال رسیده است.

با ترسیم تصویری از روند تغییرات جمعیت ایران، می‌پردازیم به تشخیص پرسمان‌های اقتصادی- اجتماعی جمعیت ایران.

### **(۱) رشد جمعیت در سن کار به مثابه‌ی یک پرسمان جمعیتی**

در ایران بیکاری و بیکاری پنهان بالا و در حال رشد است. علاوه بر بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی، بیکاری مهاجرین به شهرها نیز مشهود است. در شرایط توسعه‌ی مشاغل کاذب در نقاط شهری و عدم امکان تکوین چنین مشاغلی در نقاط روستایی، روند مهاجر فرستی روستا به شهر موجب افزایش جمعیت شهری کشور می‌شود. این امر با توجه به رشد بالای جمعیت مهار ناپذیر است. در نتیجه نسبت بیکاران در جمعیت فعال ۱۵ ساله به بالای کشور شدیداً در حال رشد است. به رغم بالا بودن تعداد خانوار در ایران، شاغل نسبت به

خانوار بسیار پائین است. ایران فاقد سیاست‌های اثر گذار بر بیکاری و اشتغال می‌باشد. میزان بیکاری در حال حاضر ۱۲/۹ درصد می‌باشد.

### (۲) افزایش سن مدرسه به مثابه‌ی یک پرسمان جمعیتی

سطح باروری در ایران بویژه در نقاط روستایی در ساختار سنی جوان جمعیت ایران اثر گذار بوده است. از سوی دیگر کاهش مرگ و میر کودکان نیز در ساخت سنی جمعیت اثر گذار بوده و تحت این شرایط اندازه‌ی مطلق نسبت جمعیت در گروه‌های در سن مدرسه‌ی ایران بطور زیاد افزایش یافته است.

در حال حاضر حدود ۳۵ میلیون نفر از جمعیت ایران زیر ۲۳ سال می‌باشند و جمعیت ۶ سال به بالای آن در سن مدرسه هستند. کل این جمعیت در معرض آموزش قرار نمی‌گیرد. مشکلات اقتصادی خانواده و فقر آن کودکان مدرسه رو را به فعالیت‌های درآمد زا کشانده و از مدرسه دور می‌کند.

### (۳) کاهش رشد اقتصادی بوسیله‌ی رشد جمعیت

در مورد رشد جمعیت ایران یک نکته‌ی نامرئی وجود دارد و آن تأثیر ساختار جمعیت بر باروری است. سیل عظیم جوانانی که به سنین باروری پای می‌نهند، در مقایسه با قلت تعداد سالمندانی که از آن سنین خارج می‌شوند، عامل تعیین کننده‌ای است که کاهش رشد جمعیت را با اشکال مواجه می‌کند.

بررسی‌هایی که در دهه‌ی ۷۰-۱۹۶۰ صورت گرفته است، اغلب به این نتیجه می‌رسد که رشد بالای جمعیت مانع توسعه‌ی اقتصادی نیست و بین آن دو، نوعی همبستگی مثبت وجود دارد. از این نظر حتی صنعتی شدن می‌تواند از طریق کاهش سریع مرگ و میر، رشد جمعیت را افزایش دهد، عرضه‌ی نیروی کار را بهبود بخشد و از طریق بالا بردن سطح بهداشت بر کارایی آن بیفزاید و کارگران ماهر و متخصص را جایگزین نیروی انسانی کم سواد و غیر متخصص کند.

در حالی که مطالعات دهه‌ی ۸۰-۱۹۷۰ بر همبستگی منفی بین رشد جمعیت و توسعه‌ی اقتصادی تأکید می‌گذارد. از این نظر افزایش جمعیت، فشار بر منابع طبیعی محدود را شدت می‌بخشد، بر پایه‌ی قانون بازده نزولی موجب کاهش سرانه‌ی زمین و منابع می‌شود، قسمت اعظم از نیروی فعال را به ترتیب فرزندان و تأمین نیازهای زیستی آنان سوق می‌دهد و سرمایه گذاری‌های جمعیتی را که فاقد بازده اقتصادی است افزایش می‌بخشد. آن چنان که در شرایط رشد جمعیتی ۳ درصد، باید ۹ تا ۱۲ درصد از درآمد ملی برای حفظ سطح زندگی - نه بهبود و ارتقای آن - صرف شود. (زنجانی، ۱۳۷۰)



#### (۴) فشار جمعیت بر خدمات اجتماعی

افزایش جمعیت ایران در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی هزینه‌ی کارآیی و ماهیت خدمات اجتماعی و رفاهی دولت را افزایش داده است. فشار جمعیت ناشی از مهاجرت‌های روستا-شهری در نواحی شهری ایران کاملاً مشهود است. این فشار در سطوح بهداشت، آموزش، اشتغال و مسکن پررسمان‌های ویژه‌ای را به منصفی ظهور می‌رساند.

#### (۵) نسبت بالای بار تکفل

با توجه به بالا بودن سطح باروری بویژه در مناطق روستایی، نسبت‌های بار تکفل در ایران بالاست. بالا بودن نسبت‌های بار تکفل، موانع اجتماعی را در ایران افزایش می‌دهد.

#### (۶) فشار جمعیت بر خدمات بهداشتی

در ایران پس از انقلاب اسلامی رشد سریع و شتابان جمعیت که در دهه‌ی ۷۰ به ۳/۷ درصد (۳/۲ درصد رشد طبیعی) رسید، نیاز به خدمات بهداشتی را افزایش داد. این افزایش در مناطق روستایی و شهری کاملاً مشهود است. باروری بالا و رشد جمعیت نوزادان نیاز به تسهیلات پزشکی را افزایش داده است در سال‌های اخیر، یعنی بعد از دور دوم سیاست تنظیم خانواده و کنترل جمعیت در سال ۱۳۶۷ با کاهش میزان‌های رشد و بویژه کاهش مرگ و میر و بهبود شاخص‌های بهداشتی و درمانی با افزایش حدود ۱۰ سال در امید به زندگی یا طول متوسط عمر در ایران روبرو بوده‌ایم. در حال حاضر امید به زندگی در ایران ۷۲ سال می‌باشد.

#### (۷) فشار جمعیت بر مسکن

بعد از خوراک و پوشاک، مسکن سومین نیاز اساسی انسان است. نیاز به مسکن در جامعه با افزایش جمعیت تشدید می‌شود. علاوه بر تعداد، ترکیب، و چگونگی پراکندگی جمعیت، عوامل دیگری چون وضع معیشت، سطح درآمد، هنجارهای سکونت و ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی و حقوقی جامعه در آن مؤثر می‌افتد.

به رغم افزایش شدید جمعیت کشور در دوره‌ی ۲۰ ساله‌ی ۶۵-۱۳۴۵، تعداد واحدهای مسکونی در کل کشور و نقاط شهری آن، بیش از رشد جمعیت افزوده شده ولی در نقاط روستایی کمتر از آن بوده است. فزونی رشد تولید واحدهای مسکونی بر رشد جمعیت، هم در دوره‌ی ۱۰ ساله‌ی ۵۵-۱۳۴۵ و هم در دوره‌ی ۱۰ ساله ۶۵-۱۳۵۵ برقرار بوده است.

فشار جمعیت بر مسکن در دوره‌ی ۷۵-۱۳۶۵ در شهرها محسوس است. سه برابر شدن جمعیت شهری کشور در یک دوره‌ی ۳۰ ساله، ساخت و سازهای به مراتب بیشتری را

**(۸) فشار جمعیت بر رفاه فردی یا خانواده**

رفاه اجتماعی در واقع مجموعه‌ی تمهیدات و اقداماتی است که برای تخفیف، تعدیل، و یا از بین بردن مسائل و مشکلات ناشی از رشد جمعیت اتخاذ می‌شود، تا آثار سوء آن را کاهش دهد و همگان را از سطح زندگی قابل قبولی برخوردار کند. جنبه‌های کمی افزایش جمعیت، و رابطه‌ی آن با ایجاد مسائل و مشکلات اجتماعی، و در نتیجه پیدا کردن راه حل‌هایی برای تعدیل آن مسائل تحت عنوان تأمین رفاه اجتماعی، مورد بحث می‌باشد. یکی از مهم‌ترین، و در عین حال پیچیده‌ترین اقدامات مربوط به رفاه اجتماعی در هر جامعه‌ای عبارت است از تلاش برای کاهش فاصله‌ی طبقاتی بین گروه‌ها و اقشار اجتماعی. در ایران مهم‌ترین نقطه ضعف رشد اقتصادی عمیق شدن فاصله‌های موجود بین طبقات و اقشار اجتماعی است. در حقیقت توسعه‌ی اقتصادی در ایران تضادهای اجتماعی را شدیداً دامن زده است. در جامعه‌ی پر جمعیت ایران با میزان رشد جمعیتی بالا، نسبت گروه‌های محروم و کم درآمد بالاست، و چون تأمین فرصت‌های شغلی مناسب نمی‌تواند پا به پای رشد سریع جمعیت عملی شود، و اوضاع و احوال اجتماعی نیز به گونه‌ای است که امکان ایجاد و استقرار نهادهای مطلوب را با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌کند، از این رو افزایش شدید جمعیت با تشدید وخامت اوضاع و عمیق‌تر شدن شکاف‌های موجود بین اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی مترادف می‌شود. (همان، ۱۳۷۱: ۱۴۶ و ۱۴۷)

در ایران امروز نیاز به اتخاذ سیاست توزیع مجدد درآمدها و ثروت، تغییر بنیادین نظام آموزش و پرورش، و توجه بیش از پیش به رفاه فردی و خانواده احساس می‌شود.

**(۹) فشار جمعیت بر غذا یا نظام کشاورزی**

در ایران به توسعه‌ی نظام کشاورزی توجه می‌شود ولی هنوز نظام‌های حقوقی زمین حل نشده باقی مانده است. سیاست یک‌پارچه سازی زمین هنوز شکل قانونی به خود نگرفته و اجرا نشده است. و تا زمانی که زمین‌های کشاورزی ایران به صورت یکپارچه و مکانیزه کشت نشود بازده و کارایی لازم را نخواهد داشت. در نتیجه ۷۵ درصد از جمعیت کشور که در مناطق روستایی ساکن هستند نمی‌توانند غذای خود و شهرنشینان را تأمین کنند.

**(۱۰) تراکم جمعیت بالا به مثابه‌ی یک پرسمان جمعیتی**

جمعیت ایران در پهنه‌ی جغرافیایی به طور ناموزون توزیع شده است. هر چه از جنوب کشور به طرف شمال و از شرق به غرب حرکت می‌کنیم تراکم جمعیت افزوده می‌شود. هم چنین تراکم جمعیت در شهرها و بویژه در کلان شهرها بسیار بالاست. ویژگی‌های اقلیمی و جغرافیایی و توزیع نامتعادل فعالیت‌های برانگیزنده‌ی مهاجرت در ایران، ادامه‌ی روند بالای شهرنشینی را تسهیل می‌کند و بر مشکلات نگهداری جمعیت در روستاها می‌افزاید. بنابر

مطالعات اولیه، افزایش جمعیت برخی از مناطق، از جمله حاشیه‌ی شرقی و جنوب شرقی کشور ضروری است، که بررسی‌های ملی نیز آن را تأکید کرده است. (همان، ۱۳۷۱: ۳۹)

### (۱۱) زیادی یا کمی جمعیت در مناطق

در کشور ما از گذشته‌ی بسیار دور، نسبت جمعیت ساکن در نقاط شهری، در مقایسه با کشورهای پرجمعیت جهان سوم و منطقه، همواره بالا بوده است. در حال حاضر نسبت جمعیت شهرنشین ایران بیش از ۷۰ درصد است.

جریان‌های مهاجرتی بویژه مهاجرت‌های روستا-شهری به توزیع نامطلوب جمعیت در گستره‌ی جغرافیایی ایران دامن می‌زنند. در نتیجه توان جمعیت‌پذیری روستاهای کشور را افزایش می‌دهند.

تأکید بر جمعیت‌پذیری شهرهای متوسط و کوچک در سال‌های اخیر در سطوح مختلف برنامه ریزی مطرح شده است. بررسی ساخت مهاجرتی ایران در شهرها نشان می‌دهد که شهرهای ۲۵ تا ۱۰۰ هزار نفری، نسبتاً بیش از شهرهای سایر طبقات جمعیتی مهاجر پذیر بوده‌اند. ظاهراً این مسئله جمعیت‌پذیری شهرهای متوسط و کوچک را در سال‌های آتی رد می‌کند. (همان، ۱۳۷۰: ۴۳ و ۴۴) هم چنین سیاست‌ایجاد شهرهای جدید برای پاسخگویی به بخشی از تنگناهای موجود پیشنهاد شده است.

بالا بودن میزان رشد جمعیت در شهرهای جدیدی که خود به خود ایجاد شده‌اند، ناشی از بالا بودن اثر مهاجرت در افزایش جمعیت آن‌ها است. شهرهای جدید، شهرهایی هستند که با مطالعه‌ی قبلی احداث می‌شوند. این شهرها، چه به صورت خوابگاهی و چه اقماری و یا حتی قطب‌های توسعه، مراکزی برای جذب جمعیت خواهند بود و قسمت اعظم جمعیت آن‌ها را سر ریز جمعیتی مادر شهرهای منطقه‌ای تشکیل خواهند داد.

برای جلوگیری از زیادی یا کمی جمعیت در مناطق کشور، اولین گام کاهش میزان رشد طبیعی جمعیت کشور است که توفیق در آن، به کاهش محسوس‌تر رشد جمعیت شهری خواهد انجامید. قدم بعدی به کاهش شدت مهاجرت‌ها از نقاط کم جمعیت نه نقاط پر جمعیت تر، و سرانجام گام نهایی، به کاهش شدت روند مهاجرتی به سوی شهرهای بزرگ، و نه هدایت همه‌ی آن‌ها به سوی شهرهای کوچک و متوسط مربوط می‌شود.

### (۱۲) سطح زندگی پائین جمعیت

نگرش یک جانبه به موضوع سیاست در دوران بعد از انقلاب اسلامی، به نوعی نادیده انگاشتن سایر جنبه‌های حیات اقتصادی و اجتماعی در ایران منجر شد. درآمد سرانه کاهش یافت، قدرت خرید مردم با کاهش ارزش پول ملی هر روز ناچیزتر شد و تورم ساختاری در اقتصاد رویکرد منفی خود را به رخ کشید. در حال حاضر میزان تورم حدود ۲۵

درصد می‌باشد. که نتیجه آن کاهش سطح و کیفیت زندگی جمعیت ایران و فقر عمومی است. ابعاد پیچیده‌ی این غفلت در دوران جنگ بیشتر شد و بعد از جنگ تحمیلی آثار پیچیده‌ی آن رخ نمود. در سال‌های اخیر نابرابری اجتماعی به شدت شکاف طبقاتی را عمیق‌تر کرده است و تضاد اجتماعی را در جامعه جاری نموده است.

براساس آمارهای بانک مرکزی، متوسط ضریب جینی در ۳۰ سال پس از انقلاب اسبامی رقم ۰/۳۹۳ است. که در ۳ سال اخیر (سال‌های ۸۴ تا ۸۶) به ۰/۴۰۲ افزایش پیدا کرده است. ضریب جینی در سال‌های ۸۴، ۸۵ و ۸۶ یعنی ۳ سال نخست فعالیت دولت نهم، نسبت به سال ۸۳ به عنوان سال آخر دولت هشتم بیشتر شده است. ضریب جینی در سال ۸۳ به ۰/۳۹۱ کاهش یافت که طی روند صعودی در سال ۸۶ به ۰/۴۰۴ افزایش پیدا کرد که بیانگر افزایش شکاف طبقاتی در چند سال اخیر است. شاخص دیگر برای ارزیابی توزیع عادلانه درآمدها، سهم ۱۰ درصد ثروتمندان به ۱۰ درصد فقیرترین است که این شاخص نیز از ۱۴/۶ در سال ۸۳ به ۱۵/۲ در سال ۸۶ افزایش یافته که مصداق دیگر افزایش شکاف طبقاتی در چند سال گذشته است. (همشهری، ۸۸/۳/۲: ۴)

### (۱۳) تأخیر در ازدواج به مثابه‌ی حفظ تعادل جمعیتی

سیاست تأخیر در ازدواج بطور مستقیم در ایران مشاهده می‌شود. ادامه‌ی تحصیلات بویژه تحصیلات دانشگاهی برای دختران، سن نمای ازدواج آنان را در شهرها افزایش داده است. افزایش سن نمای ازدواج باروری را کاهش می‌دهد و در نتیجه باعث کاهش میزان‌های رشد جمعیت می‌شود. ناگفته نماند که این محدودیت پایدار نیست. وقتی می‌توان به کاهش میزان‌های رشد جمعیت پایدار رسید که سواد و اشتغال زنان در جامعه‌ی ایران افزایش چشمگیر یابد.

### (۱۴) پرسمان‌های بهبود نسل جمعیت

در ژاپن، از ژوئیه سال ۱۹۴۸ سیاست جدیدی تحت عنوان «اوژنیسم» یا بهبود نسل<sup>۱</sup> به مرحله‌ی اجرا درآمد و تحت پوشش ممانعت از تولد کودکان ناقص و حمایت از سلامت مادر به صدور اجازه‌ی سقط جنین پرداخته شد. از آن زمان تاکنون علم بهبود نسل یا اوژنیک پیشرفت‌های قابل توجهی کرده است. در ایران نیز فعالیت‌های پیشگیرانه‌ی چندی توسط وزارت بهداشت، درمان، آموزش پزشکی شروع شده است و در آینده فعالیت‌های بیشتری را می‌طلبد ولی هنوز قوانین مربوط به اوژنیک در جامعه به تصویب و اجرا در نیامده است، در نتیجه پرسمان همچنان باقی است. مثلاً هیچ منع قانونی برای ازدواج‌های خویشاوندی وجود ندارد.

<sup>1</sup>Eugenism

### (۱۵) شکاف سنی جنسیت در ازدواج به مثابه‌ی پرسمان جمعیتی آسیب‌زا

یکی از پرسمان‌های حاد جمعیت‌ایران در حال حاضر، افزایش جمعیت هر دو جنس و وجود فاصله‌ی سنی ازدواج بالاست که باعث می‌شود جمعیت دختران در سن‌نمای ازدواج به علت فاصله سنی بالا، تأخیر در ازدواج داشته باشند و این پرسمان باعث پدیدهای دیگر آسیب‌شناختی در جامعه‌ی ایران شده است.

### (۱۶) جوانی جمعیت

استمرار رشد بالای ۳/۱۵ درصد در سال در یک دوره‌ی ۳۵ ساله، ساختاری را بر جمعیت کشور تحمیل کرده است که اصطلاحاً آن را ترکیب سنی جوان می‌نامند. پیامدهای این ساختار ماندگار است و از نظر باروری، مرگ و میر، و اشتغال آثار دیرپایی بر جمعیت می‌گذارد و هر گونه تلاشی را - در مورد کنترل جمعیت - تایک دوره‌ی ۲۰-۱۵ ساله به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. هم‌چنین جوانی جمعیت بیکاری را تشدید می‌کند.

### (۱۷) فشار جمعیت بر منابع

انبوهی جمعیت یک جامعه موجب می‌شود که سطح زندگی مردم در آن پایین آمده و اکوسیستم‌ها سامانه‌ی حیاتی و زیستی آن به خطر افتد. از طرف دیگر وضعیتی که اوضاع را برای اشتغال کامل، طول عمر زیاد، بهداشت سالم، اشاعه دانش و فرهنگ، هماهنگی اجتماعی و ثبات خانوادگی فراهم آورد، جمعیت متناسب یا حد مطلوب<sup>۱</sup> نامیده می‌شود. در چنین وضعیتی تولید سرانه و میزان و رشد کل تولیدات در کشور به بالاترین حد خود می‌رسد. به عبارت دیگر، جمعیت وقتی متناسب است که از اشتغال کامل و سطح زندگی رضایت بخشی بهره مند باشد و در آن، روزانه هر فرد بتواند از ۲۵۰۰ کالری مواد غذایی استفاده نماید. در چنین اندازه‌ی جمعیتی مخارج غذایی نباید از ۵۰ درصد کل درآمد تجاوز نماید. در جمعیت متناسب، باید از منابع، استفاده‌ی معقول به عمل آمده، میزان وابستگی اقتصادی - وابستگی به نان آور خانواده - به نوجوانان زیاد فشار وارد نیارده و تقسیم کار به نحوی باشد که هر فرد به بهترین وجهی وظیفه خود را ایفا نماید. بنابراین جمعیت متناسب وضعیتی است که در آن تعادلی بین جمعیت و منابع به وجود آمده و بر حسب موقعیت‌های زمانی و مکانی نیازهای کلیه‌ی اعضای جامعه‌ی مورد نظر تأمین می‌گردد.

در ایران پدیده‌ی پرجمعیتی<sup>۲</sup> ملاحظه می‌شود. از نظر جامعه‌شناسی، پرجمعیتی وقتی پیش می‌آید که افزایش افراد در جامعه توازن بین جمعیت و منابع موجود را به خطراندازد. به

<sup>۱</sup> Optimum  
<sup>۲</sup> Overpopulation

عبارت دیگر، هر گونه عدول یا انحراف از وضعیت تعادل بین جمعیت و منابع، پدیده‌ی پرجمعیتی یا کم جمعیتی را در جامعه موجب می‌شود. یعنی زمانی که منابع جوابگوی جمعیت نیست، پدیده‌ی پرجمعیتی در آن منطقه بیشتر نمایان می‌گردد. جمعیت‌شناسان پرجمعیتی را به دو نوع پرجمعیتی مطلق و پرجمعیتی نسبی تقسیم می‌کنند. پرجمعیتی وقتی ظاهر می‌شود که سطح زندگی حتی پس از نیل به توسعه‌ی منابع، پایین می‌ماند، در حالی که پرجمعیتی نسبی زمانی ظاهر می‌گردد که سطح تولید در برابر جمعیت ناکافی بوده، ولی دستیابی به تولید بیشتر عملی است. پرجمعیتی نسبی که از پرجمعیتی مطلق بیشتر عمومیت دارد معمولاً پیامد محدودیت‌های فناورانه است و به محض این که فن آوری پیشرفت نماید، نسبت جمعیت و منابع طبیعی هم در آن مناطق پرجمعیت به سوی تعادل می‌رود. (شیخی، ۱۳۶۸: ۷۵).

در ایران پرجمعیتی نسبی بویژه در شهرها وجود دارد. پرجمعیتی روستایی و پرجمعیتی صنعتی مشاهده نمی‌شود.

### (۱۸) پرسمان تأمین اجتماعی جمعیت

تأمین اجتماعی بخشی از رفاه اجتماعی است. رفاه اجتماعی در واقع مجموعه‌ی تمهیدات و اقداماتی است که برای تخفیف، تعدیل، و یا از بین بردن مسائل و مشکلات ناشی از رشد اقتصادی اتخاذ می‌شود، تا آثار سوء آن را کاهش دهد و همگان را از سطح زندگی قابل قبولی برخوردار کند. برای وارد شدن به بخش رفاه اجتماعی و اثر رشد جمعیت بر آن، باید به شناختی از مسائل و مشکلات اجتماعی دست‌یافت. در ایران بحث رفاه اجتماعی به تازگی مطرح شده است. پرسمان همچنان باقی است. تأمین اجتماعی در حال گسترش در مناطق روستایی و شهری و در بین طبقات مختلف است.

### (۱۹) ناپایداری میزان‌های رشد جمعیت

مه‌ار رشد جمعیت با برنامه‌های تنظیم خانواده و سیاست کنترل جمعیت و یا موانع اقتصادی و سیاسی نمی‌تواند میزان‌های رشد جمعیت را در ایران پایدار سازد. پایداری میزان‌های رشد جمعیت به توسعه‌ی اقتصادی درون زای ملی ایران و بویژه به افزایش سطح سواد و اشتغال زنان مربوط می‌شود.

### (۲۰) پرسمان سالخوردگی جمعیت

سالخوردگی جمعیت از ویژگی‌های جمعیت کشورهای صنعتی است. ولی در برخی از کشورهای رو به رشد جهان سوم نیز از جمله ایران مشاهده می‌شود. دلیل رویکرد این پدیده از یک سو افزایش طول عمر به دلیل پیشرفت‌های بهداشتی و درمانی و تغذیه است و از

دیگر سو افزایش متوسط طول عمر یا امید به زندگی در بدو تولد و یا هر سن درست می‌باشد. به تدریج آثار این پرسمان روی جمعیت ایران با افزایش متوسط ۱۰ سال به طور عمر جمعیت، ظاهر خواهد شد. در سال ۱۳۸۸ امید به زندگی در ایران به ۷۲ سال رسیده است.

### **(۲۱) پرسمان مهاجرت**

در ایران جریان‌های مهاجرتی از روستا به شهر و از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ دیده می‌شود. این جریان‌ها باعث رشد شهرنشینی در ایران شده است. علت عمده مهاجرت در ایران اختلاف سطح زندگی بین شهر و روستا است. توزیع نامتعادل زمین و بهره‌برداری از آن، و ساختار سرمایه و بازار نیز از عوامل مؤثر بر آن محسوب می‌شود. سیاست‌های ملی توسعه اقتصادی و اجتماعی از جمله سیاست‌های مربوط به اشتغال، مسکن و ایجاد واحدهای خدمات عمومی، سیاست‌های مربوط به واردات و قیمت‌گذاری مواد غذایی، چگونگی تأمین بهداشت، آموزش و تسهیلات گذران اوقات فراغت، اغلب به گسترده‌تر شدن فاصله سطح زندگی بین شهر و روستا و تشدید مهاجرت‌های روستایی می‌انجامد.

### **(۲۲) فشار رشد جمعیت بر سرمایه‌گذاری**

رشد ناموزون جمعیت در ایران تنگناهایی را در زمینه سرمایه‌گذاری، که خود جریانی وسیع می‌باشد، به وجود آورده است. افزایش تعداد فرزندان در خانواده‌ها تا حد زیادی امکان پس‌انداز را از بین برده است، زیرا نیازهای مصرفی بیشتر شده است و امکان کمتری به دولت برای سرمایه‌گذاری در سطح ملی می‌دهد. متأسفانه در ایران جمعیت از منابع موجود به طور آنی و فوری، در قالب بهره‌جویی استفاده می‌کند.

### **(۲۳) رابطه رشد جمعیت و انگیزه توسعه اقتصادی**

از یک سو رشد جمعیت در ایران به مثابه‌ی مانعی فرا راه توسعه اقتصادی محسوب می‌شود. از دیگر سو رشد جمعیت در ایران موجبات ازدیاد فرآوری اقتصادی بیشتر را فراهم آورده است.

### **(۲۴) تأثیر مهاجرت بر محیط زیست به مثابه‌یک پرسمان جمعیتی**

در ایران پدیده‌ی مهاجرت بر محیط زیست تأثیر متقابلی دارند. تراکم جمعیت، آلودگی، بی‌سازمانی اجتماعی، بروز انحرافات اجتماعی جدید و... از آثار آن است. محیط‌های جدید و شهری بر ویژگی‌های رفتاری، کنش‌های اجتماعی و چگونگی شخصیت افراد نیز تأثیر می‌گذارد، از جمله روی رفتار باروری جمعیت مهاجر تأثیر بسزایی دارد.

### (۲۵) مرگ و میر بالای کودکان به مثابه‌ی پرسمان جمعیتی

شاخص مرگ و میر کودکان در ایران بویژه در مناطق روستایی قدری بالاست. ایران به علت ضعف در زمینه‌های مختلف بهداشتی، آموزشی، رعایت نکردن فاصله گذاری‌ها و تنظیم خانواده، سوء تغذیه و نظایر آن بویژه در مناطق روستایی با نسبت بالایی از مرگ و میر کودکان روبروست. هر گونه تغییری در زمینه‌ی شاخص‌های مرگ و میر اعم از مرگ و میر کودکان، مرگ و میر عمومی یا مرگ و میر زنان در حین زایمان، منوط به تغییرات فرهنگی می‌باشد.

### (۲۶) پدیده‌ی حاشیه نشینی به مثابه‌ی پرسمان جمعیتی

جذب مازاد جمعیت روستایی ایران در نقاط شهری، به تأمین حداقل‌هایی برای آنان منجر می‌شود که در مقیاس با وضعیتشان در جامعه‌ی روستایی، نه تنها نشانه‌ای از بهبود وضع بلکه حتی در مواردی به معنی برتری آن‌ها نسبت به جمعیت مقیم در روستاهایشان است. در این جا، شهر نشینی برای آن‌ها به بهبود وضع و کاهش فاصله‌ی طبقاتی می‌انجامد. ولی جنبه‌ی دیگر این مسئله نیز به همان اندازه مهم و قابل توجه است. همین افراد در شهرها، قشر پایین اجتماعی را تشکیل می‌دهد، فاصله‌ی طبقاتی آنان با افراد مرفه شهری بسیار زیاد است و روز به روز نیز زیاده‌تر می‌شود. زاغه نشینی، آلونک نشینی و حاشیه نشینی شکل می‌گیرد و به تدریج مفاسد اجتماعی مانند جرم و جنایت، اعتیاد، دزدی و تهدید امنیت مردم بین آنان ریشه می‌دواند، فرهنگی در بین آن‌ها چیره می‌شود و دامن می‌گسترده که اصطلاحاً به آن فرهنگ فقر می‌گویند. (زنجانی، ۱۳۷۱: ۱۵۱)

### (۲۷) پرسمان جمعیت، فقر و ناهنجاری‌های اجتماعی

جمعیت ایران به لحاظ رشد بالایی که روند آن از سال ۱۳۵۸ به بعد شروع و تا سال ۱۳۶۷ ادامه داشت و به تدریج از سال ۱۳۶۷ به بعد سیر نزولی بخود گرفت، گرفتار فقر عمومی شد. این فقر در شهرهای بزرگ به لحاظ هزینه‌های بالای زندگی و نیز در مناطق روستایی بیشتر نمود داشت.

وجود فقر در جامعه‌ی ایران باعث افزایش نابه‌هنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی زیادی از جمله تکدی‌گری، روسپیگری، سرقت، طلاق و غیره گردید. بیکاری فزاینده نیز عامل فقر را تشدید کرده و به آشفتگی اجتماعی افزوده است.



## هوده جستارها

در این مقاله به یافته‌های زیر دست یافتیم:

۱. در ایران رشد جمعیت در سن کار به مثابه‌ی یک پرسمان جمعیتی رویکرد دارد. بیکاری و بیکاری پنهان بالا و در حال رشد است. این پرسمان در شهرها دارای شدت بیشتری است.
۲. بالا بودن سطح باروری در ایران بویژه در نقاط روستایی از یک سو و از سوی دیگر کاهش مرگ و میر کودکان در ساختار سنی جوان جمعیت ایران اثر گذار بوده است و تحت این شرایط اندازه‌ی مطلق نسبت جمعیت در گروه‌های در سن مدرسه‌ی ایران به طور زیاد افزایش یافته است.
۳. رشد جمعیت در ایران باعث کاهش رشد اقتصادی است. رشد جمعیت و نیازهای ناشی از آن سرمایه‌گذاری‌های جمعیتی را که فاقد بازده اقتصادی است افزایش داده است.
۴. فشار افزایش جمعیت ایران در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی هزینه‌ی کارآیی و ماهیت خدمات اجتماعی و رفاهی دولت را افزایش داده است. این فشار در سطوح بهداشت، آموزش، اشتغال و مسکن پرسمان‌های ویژه‌ای را به منصفی ظهور رسانده است.
۵. با توجه به بالا بودن سطح باروری به ویژه در مناطق روستایی، نسبت‌های بار تکفل در ایران بالاست.
۶. در ایران پس از انقلاب اسلامی رشد سریع و شتابان جمعیت نیاز به خدمات بهداشتی را افزایش داده است. این افزایش در مناطق روستایی و شهری کاملاً مشهود است.
۷. فشار جمعیت بر مسکن در ایران در دهه‌های ۷۵-۱۳۶۵ و ۸۵-۱۳۷۵ بویژه در شهرها محسوس می‌باشد.
۸. در ایران امروز فشار جمعیت بر رفاه فردی یا خانواده ملاحظه می‌شود. در شرایط فعلی نیاز به اتخاذ توزیع مجدد درآمدها و ثروت، تغییر بنیادین نظام آموزش و پرورش و توجه بیش از پیش به رفاه فردی و خانواده احساس می‌گردد.
۹. در ایران فشار جمعیت بر غذا یا نظام کشاورزی دیده می‌شود. سیاست یکپارچه سازی زمین و کشت مکانیزه می‌تواند بازده و کارآیی کشاورزی را افزایش داده و این فشار را کاهش دهد.

۱۰. جمعیت ایران در پهنه‌ی جغرافیایی به طور نامنظم توزیع شده است. هر چه از جنوب کشور به طرف شمال و از شرق به غرب حرکت می‌کنیم تراکم جمعیت افزوده می‌شود. تراکم جمعیت در شهرها و بویژه کلان شهرها بسیار بالا است.
۱۱. جریان‌های مهاجرتی به ویژه مهاجرت‌های روستا- شهری به توزیع نامطلوب جمعیت در گستره‌ی جغرافیایی ایران دامن می‌زنند. در نتیجه توان جمعیت پذیری روستاهای کشور را افزایش می‌دهند. نسبت جمعیت شهر نشینی ایران در حال حاضر حدود ۷۰ درصد است.
۱۲. نگرش یک جانبه به موضوع سیاست در ایران، به نوعی نادیده انگاشتن سایر جنبه‌های حیات اقتصادی و اجتماعی می‌باشد. در نتیجه سطح زندگی و کیفیت زندگی جمعیت ایران کاهش یافته و فقر عمومی شده است.
۱۳. در جمعیت ایران در حال حاضر تأخیر در ازدواج دیده می‌شود. در نتیجه سن نمای ازدواج در حال افزایش است. این سن نما برای دختران بالای ۲۴ سال و برای پسران بالای ۲۸ سال برآورد می‌شود.
۱۴. در ایران بحث‌های بهبود نسل انجام می‌گیرد ولی قانون مندی‌های لازم برای اجرای آن هنوز مشاهده نشده است.
۱۵. شکاف سنی جنسیت در ازدواج در ایران یک پدیده‌ی حاد جمعیتی است که آسیب‌های اجتماعی ویژه‌ای را در ایران به وجود آورده است.
۱۶. استمرار رشد بالای ۳/۱۵ درصد در سال در یک دوره‌ی ۳۵ ساله، ساختاری را بر جمعیت کشور تحمیل کرده که آن را ترکیب سنی جوان می‌نامند. این ترکیب با کاهش رشد جمعیت به ۱/۴ درصد در سال در حال تغییر است.
۱۷. انبوهی جمعیت ایران موجب شده است که سطح زندگی مردم در آن پایین آمده و اکوسیستم یا سامانه‌ی حیاتی و زیستی آن را به خطراندازد. در جمعیت ایران، پدیده‌ی پر جمعیتی به ویژه در شهرها مشاهده می‌شود. به عبارت دیگر افزایش جمعیت باعث به هم خوردن توازن سنی بین جمعیت و منابع گردیده است.
۱۸. در ایران در سال‌های بعد از جنگ به تأمین اجتماعی توجه می‌شود. تأمین اجتماعی در حال گسترش در مناطق روستایی و شهری و در بین طبقات مختلف است.
۱۹. پایداری میزان‌های رشد جمعیت در ایران به توسعه‌ی اقتصادی درون زای ملی و به ویژه به افزایش سطح سواد و اشتغال زنان مربوط می‌شود.
۲۰. به تدریج سالخوردگی در جمعیت ایران ظاهر می‌شود و جمعیت سالمندان به دلیل افزایش متوسط عمر و تمهیدات بهداشتی و درمانی و تغذیه در حال افزایش است.

۲۱. در ایران جریانات شدید مهاجرتی از روستا به شهرها و از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ دیده می‌شود که باعث رشد شتابان شهرنشینی شده است.
۲۲. رشد ناموزون جمعیت در ایران تنگناهایی را در زمینه‌ی سرمایه گذاری، که خود جریانی وسیع می‌باشد، به وجود آورده است.
۲۳. در ایران از یک سو رشد جمعیت به مثابه‌ی مانعی فرا راه توسعه‌ی اقتصادی محسوب می‌شود. از دیگر سو رشد جمعیت موجبات ازدیاد فرآوری اقتصادی بیشتر را فراهم آورده است.
۲۴. در ایران پدیده‌ی مهاجرت بر محیط زیست تأثیر متقابلی دارند. تراکم جمعیت، آلودگی بی‌سازمانی اجتماعی، بروز انحرافات جدید و... از آثار آن است.
۲۵. در جمعیت ایران به علت ضعف بهداشتی، آموزشی، رعایت نکردن فاصله گذاری‌ها و تنظیم خانواده، سوء تغذیه و نظایر آن بویژه در مناطق روستایی با نسبت بالایی از مرگ و میر کودکان روبرو هستیم.
۲۶. جذب مازاد جمعیت روستایی ایران در نقاط شهری به رشد پدیده‌ی حاشیه نشینی در اطراف کلان شهرها انجامیده است.
۲۷. جمعیت ایران به لحاظ رشد جمعیتی بالا و جنگ تحمیلی، گرفتار فقر عمومی شده است. وجود فقر در جامعه‌ی ایران باعث افزایش آسیب‌های اجتماعی شده است.

## منابع فارسی:

- آشفته تهرانی، امیر (۱۳۶۴): جامعه شناسی و آینده نگری جمعیت ایران، جهاد دانشگاهی دانشگاه اصفهان، اصفهان.
- آشفته تهرانی، امیر (۱۳۸۱): جمعیت شناسی و تحلیل جستارهای جمعیتی، تهران، نشر گسترده.
- امانی، مهدی - زنجانی، حبیب الله و دیگران (۱۳۵۴): لغت نامه‌ی جمعیت شناسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- پرسا، رولان (۱۳۵۳): جمعیت شناسی اجتماعی، ترجمه منوچهر محسنی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- توانایان فرد، حسن (۱۳۶۸): اقتصاد جمعیت، تهران، ناشر مؤلف.
- زنجانی، حبیب الله (۱۳۷۱): جمعیت و توسعه، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهر سازی و معماری ایران، وزارت مسکن و شهر سازی.
- زنجانی، حبیب الله - میرزایی، محمد و دیگران (۱۳۷۹): جمعیت، توسعه و بهداشت باروری، چاپ سوم، تهران، نشر و تبلیغ بشری.
- زنجانی، حبیب الله (۱۳۷۰): جمعیت و شهر نشینی در ایران، جلد اول: جمعیت، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهر سازی و معماری ایران، وزارت مسکن و شهر سازی.
- زنجانی، حبیب الله (۱۳۷۰): مجموعه مباحث و روش‌های شهر سازی: ۱ - جمعیت، چاپ ۲، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهر سازی و معماری ایران، وزارت مسکن و شهر سازی.
- ساعی ارسی، ایرج (۱۳۸۰): ملاحظات جمعیتی در برنامه ریزی‌های توسعه در ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر. (پژوهش)
- ساعی ارسی، ایرج (۱۳۸۵): جمعیت و تنظیم خانواده، چاپ ۲، ابهر، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر.
- ساعی ارسی، ایرج (۱۳۸۵): رهیافت‌های پژوهشی در جامعه شناسی و جمعیت شناسی ایران، کتاب چاپ نشده.
- شیخی، محمد تقی (۱۳۶۸): در زمینه جامعه شناسی جمعیت، تهران، نشر آرام.
- شیخ، محمد تقی (۱۳۷۵): جمعیت شناسی اقتصادی و اجتماعی، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- علیزاده، محمد (۱۳۶۰): ویژگی‌های جمعیتی ایران و آینده نگری بیست ساله‌ی جمعیت کشور، تهران، سازمان برنامه و بودجه.
- علیزاده، محمد (۱۳۶۰): جمعیت، منابع و توسعه در ایران، تهران، دفتر جمعیت و نیروی انسانی، معاونت امور اقتصادی، سازمان برنامه و بودجه.
- همشهری، سال هفدهم، شماره ۴۸۴۱، ۱۳۸۸/۳/۲.

### منابع انگلیسی:

- Balkwin, G. B (1967): Planning and Development in IRAN, Baltimore, The John Hopkins press.
- Stamper, Maxwell B, (1977): Population and planning in developing Nations. The population Council.
- United Nation, (1984): Population, Resources, Environment and Development, New York.
- Valentey, D. I: The theory of population, Moscow, progress publishers.